

## منزلت انسان در فرهنگ انتظار و اندیشه مهدویت

انتظار، حالت اصیل تفکر است. انسان منتظر در عین انتظار می‌کوشد؛ زیرا گشایش در ضمن کوشش و جدیت صورت می‌پذیرد. انتظار، پیمودن طریق است که به همراه تفکر صورت می‌پذیرد.



انتظار، حالت اصیل تفکر است. انسان منتظر در عین انتظار می‌کوشد؛ زیرا گشایش در ضمن کوشش و جدیت صورت می‌پذیرد. انتظار، پیمودن طریق است که به همراه تفکر صورت می‌پذیرد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه؛ در اندیشه مهدویت، منتظر راستین بودن، منزلتی متعالی در حیطه فکر و عمل به انسان می‌بخشد؛ چراکه انتظار یعنی رو به آینده بودن و رو به آینده بودن انسان در راهی که می‌رود، بدون تفکر او میسر نیست. پس می‌توان گفت که انتظار، حالت اصیل تفکر است. انسان منتظر در عین انتظار می‌کوشد؛ زیرا گشایش در ضمن کوشش و جدیت صورت می‌پذیرد. انتظار، پیمودن طریق است که به همراه تفکر صورت می‌پذیرد. انتظار ظهور منجی نیز به اصل حرکت آدمی به سوی آینده و استكمال وجود انسان بازمی‌گردد که انسان، همواره در طلب آن است:

اللّٰهُمَّ اِنَّا نرغب اِلَکَ فِی دَوْلَةِ کَرِیْمَةٍ تَعَزَّ بِهَا الْاِسْلَامُ وَاَهْلُهُ وَتَذَلُّ بِهَا النِّفَاقُ وَاَهْلُهُ وَتَجْعَلُنَا فِیْهَا مِنْ الدَّعَاةِ اِلَی طَاعَتِکَ وَ الْقَادَةِ اِلَی سَبِیْلِکَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا کَرَامَةَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ؛

بارالها! قطعاً مشتاق دولت کریمه‌ات هستیم که اسلام و اهل اسلام را به وسیله آن عزیز گردانی و نفاق و اهل نفاق را به سبب آن خوار کنی و ما را در آن دولت، از دعوت‌کنندگان به اطاعت و فرمان‌برداری قرار دهی و از پیشوایان به راه هدایت گردانی و کرامت دنیا و آخرت را به وسیله آن دولت، روزی ما فرما.

هرچند انتظار ظهور انسان برتر حتی در تفکر امثال نیچه نیز ظاهر شد، محدودیت تفکر در آن به قبول انسان برتری منجر شد که نه تنها هیچ‌گونه کارکرد مثبت برای منتظران آن نداشت، بلکه زمینه قدرت‌طلبی و استکبار فراوانی را فراهم کرد. در اندیشه مهدویت، مسلمان شیعه می‌داند امام و پیشوایش هم‌زمان با اوست و رفتارش در معرض دید حضرت است. پس هر لحظه ممکن است به او بنگرد و کارهای ناپسند او باعث ناراحتی و تأسف حضرت می‌شود. چنین فردی علاوه بر آن‌که خودش را آماده روز ظهور می‌کند، در تمام دوران زندگی مراقب است یک لحظه هم از فرمان آن حضرت سرپیچی نکند. این احساس، موجب می‌شود که یک انسان زودتر به آن درجه مطلوب برسد که پیروزی در امتحان و آزمایش الهی و آمادگی برای روز موعود است.

در اندیشه مهدویت، شخص منتظر، خیرات و نیکی‌های بی‌شماری را از جمله در زمینه‌های زیر به دست می‌آورد:

زمینه اول: دست‌یابی به خیر دنیا و آخرت خویش؛ در آخرت به اعتبار خشنودی خداوند متعال و در دنیا به دو جهت: اول، رفتاری عادلانه که فرد درباره خود و دیگران خواهد داشت و دوم، ایجاد آمادگی روحی برای پذیرش مسئولیت در مقابل رهبری برای روز ظهور.

زمینه دوم: به دست آوردن خیر و نیکی برای هم‌کیشان و هم‌دینان خود؛ زیرا وقتی فرد، خویشتن را به‌طور شایسته آماده سازد، کمکی در حد خود برای ایجاد شرایط ظهور کرده و از این‌راه، باب نیکی‌ها را به روی امت گشوده است.

زمینه سوم: دست‌یابی به خیرات، نه تنها برای خود و امت خود، بلکه برای عموم انسان‌ها؛ زیرا بهره و سودی که از ایجاد شرایط ظهور حاصل می‌شود، به تمامی انسان‌ها می‌رسد و به یک گروه و طایفه اختصاص ندارد.

زمینه چهارم: سهمیم بودن در ایجاد شرایط ظهور که موجب جلب خشنودی و رضایت خاطر شریف حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود؛ زیرا هرچه از تعداد گنه‌کاران، کم و بر جمعیت مؤمنان افزوده شود، باعث خشنودی آن حضرت می‌گردد و در حقیقت، نوعی هم‌کاری در راه تحقق اهداف عالی آن بزرگوار است.

واما زیربنای تفکر انسان&zwnj;شناسی مهدویت که اندیشه ناب اسلامی است، از إِقْرَأْ یَا سَمُ رِیْكَ الَّذِی خَلَقَ آعَاز می&zwnj;شود. این اندیشه در وجود و هستی ریشه دارد، نه فقط عقل نظری که خود مرتبه&zwnj;ای از مراتب هستی است. در این فرهنگ،&laquo;قِرَاءَت&raquo; که محصول یک تفکر نظری است، بر بنیاد خلق و هستی بنا شده است، به این معنا که در تفکر الهی اسلام، عقل و نطق باید تابع وجود و هستی باشد، نه وجود، تابع آنها. چنین اندیشه&zwnj;ای نه تنها تفکری مربوط به قشر و طبقه خاصی نیست، بلکه همه انسان&zwnj;ها را خطاب قرار می&zwnj;دهد، چنان&zwnj;که اندیشه مهدویت نیز اندیشه&zwnj;ای جهانی است.

در اندیشه مهدویت هم&zwnj;چون تعالیم تمامی انبیا، سعادت انسانی، زاییده تطابق کامل جهان درون و بیرون در وجود آدمی است و یا به عبارت دیگر، زاییده تطابق وجود فرد با جامعه و جهان است. نتیجه مستقیم این تطابق، ظهور اعتدال در رفتار آدمی و پرهیز او از هرگونه افراط و تفریط است. در غیر این صورت، غلبه جهان درون بر وجود آدمی به درون&zwnj;گرایی و در صورت مبالغه، به انزوا و گوشه&zwnj;گیری می&zwnj;انجامد. برعکس، غلبه توجه به جهان خارج بر وجود آدمی، انسان را ماجراجو، جسور و به حقوق دیگران، متجاوز و بی&zwnj;توجه می&zwnj;سازد. اندیشه مهدویت، شخصیت انسان را به اعتدال و تناسب رفتار فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی ره&zwnj;نمون می&zwnj;سازد.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، از امام سجاد علیه السلام نقل می&zwnj;کند که آن حضرت درباره منتظران و پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین فرموده است:

همانا مردم زمان غیبت آن حضرت که به امامت او معتقد و منتظر ظهور اویند، از مردم تمام زمان&zwnj;ها برترند؛ زیرا خداوند متعال، عقل و اندیشه&zwnj;ای به آنان داده است که غیبت در نظر آنها هم&zwnj;چون مشاهده و ظهور می&zwnj;باشد و آنان&zwnj;را در چنین شرایطی هم&zwnj;چون مجاهدان پیکارگر در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است. آنان مخلصانی راستینند و همان&zwnj;ها هستند که در پنهانی و آشکار، مردم را به دین خدا دعوت می&zwnj;کنند.

ابی اسحاق نیز می&zwnj;گوید: موثقان از اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام برایم نقل کردند که شنیدند آن حضرت در یکی از خطبه&zwnj;های خود می&zwnj;فرمود:

اَللّٰهُمَّ وَاِنِّیْ لِأَعْلَمُ... اَنْکَ لَا تَخْلِیْ اَرْضَکَ مِنْ حِجَّةٍ لِّکَ عَلٰی خَلْقِکَ ظَاہِرٍ لِّیْسَ بِالْمَطَاعِ اَوْ خَائِفٍ مَّغْمُورٍ، کَیْلًا تَبْتَطِلَ حِجَّجُکَ وَلَا یَضِلُّ اَوْلِیَاؤُکَ بَعْدَ اِذْ هَدِیْتَهُمْ بَلْ اَیْنِ هُمْ؟ وَ کَمْ اَوْلَیْکَ الْاَقْلُوْنَ عِدَدًا وَاَعْظَمُوْنَ عِنْدَ اللّٰهِ جَلَّ ذَکْرُهٗ قَدْرًا الْمَتَّبِعُوْنَ لِقَادَةِ الدِّیْنِ، الْاُئِمَّةِ الْهَادِیْنَ، الَّذِیْنَ یَتَادَّبُوْنَ بِاَدَابِهِمْ وَ یَنْهَجُوْنَ نَهْجَهُمْ فَعِنْدَ ذٰلِکَ یَهْجَمُ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلٰی حَقِیْقَةِ الْاِیْمَانِ فَتَسْتَجِیْبُ اَرْوَاحَهُمْ لِقَادَةِ الْعِلْمِ... هَا! طَوْبَیْ لَہُمْ عَلٰی صَبْرِهِمْ عَلٰی دِیْنِهِمْ فِیْ حَالِ هَدَنْتَهُمْ وَ یَا شَوْقَاہُ اِلٰی رُؤِیْتِهِمْ؛

بار خدایا، می&zwnj;دانم که تو زمین را از حجت بر خلق خود خالی نمی&zwnj;سازی که آن حجت یا ظاهر است و فرمانش نبرند یا بیم&zwnj;ناک و نهان از خلق است تا حجت تو باطل نگردد و اولیای پس از آن&zwnj;که راه را به آنها نمودی، گم&zwnj;راه نشوند. اکنون باید گفت آنان کیانند و چه تعدادند؟ آنان دارای کم&zwnj;ترین شماره و بزرگ&zwnj;ترین مقام نزد خدای متعال هستند. آنان پیروان پیشوایان و ائمه دین هستند و به آداب آنها پرورش می&zwnj;یابند و به راه آنها می&zwnj;روند. دانش، آنها را به حقیقت ایمان می&zwnj;کشاند و جانیشان را پذیرای پیشوای دانش می&zwnj;سازد...، خوشا به حالشان که در حال آرامش بر دین&zwnj;داری خود صبر کنند. چه اشتیاقی به دیدارشان دارم.

در اندیشه مهدویت، اعتقاد به وجود خداوندی حکیم و عادل و رؤوف موج می&zwnj;زند که بر عوالم درون و بیرون وجود آدمی محیط است. پس جای هیچ تردیدی نیست که چنین وجودی در وجود کاملی به نام انسان، همانند دو قوس یک دایره پیوند بخورد. براساس انسان&zwnj;شناسی این اندیشه، هستی در وجود انسان به صورت کامل و جامعی تحقق می&zwnj;یابد و همه اضداد در آن به صلح و سازندگی می&zwnj;رسند. در اندیشه مهدوی، چنین انسان کاملی، جانشین خداوند بر روی زمین می&zwnj;شود و به مقام خلیفه اللهی می&zwnj;رسد:

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ ...؛

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده&zwnj;اند، وعده داده است که حتما آنان&zwnj;را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد.

براساس آن<sup>zwnj</sup>چه در روایات آمده است، مصداق کامل این وعده، در زمان ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت.

در کمال الدین، شیخ صدوق به سند خود از جابر انصاری از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می<sup>zwnj</sup>کند که حضرت فرمود:

المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیتہ کنیتی، أشبه الناس بی<sup>zwnj</sup>خلقا و خلقا تكون له غيبة و حيرة تضلّ فيها الامم يقبل كالشهاب الثاقب فيملأها عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا؛

مهدی از فرزندان من است. نامش، نام من و کنیه کنیه من است. در خلقت و خلق و خوی، شبیه<sup>zwnj</sup>ترین خلق به من است. غیبت و حیرتی دارد که در آن، مردمان به گم<sup>zwnj</sup>راهی ره می<sup>zwnj</sup>سپارند. آن<sup>zwnj</sup>گاه چون شهابی فروزنده فرا رسد و زمین را از عدل و داد آکنده سازد، همان<sup>zwnj</sup>گونه که از ظلم و جور پرشده باشد.

استاد حسن<sup>zwnj</sup>زاده آملی در تصویر این انسان کامل چنین می<sup>zwnj</sup>گوید:

بدان<sup>zwnj</sup>که مجد و عظمت هرچیزی به حسب کمال اوست و کمالی فوق کمال واجب<sup>zwnj</sup>الوجود بالذات متصور نیست و انسان که از جمادات و نباتات و حیوانات اشرف است، هرچه در اتصاف به کمالات واجب الوجود قوی<sup>zwnj</sup>تر باشد، در کمال، از دیگر افراد انسان پیش<sup>zwnj</sup>تر و به مبدأ، اعنی واجب تعالی نزدیک<sup>zwnj</sup>تر و آثار وجودی او بیشتر است و چون انسان کامل، مجمع اسما و صفات واجب تعالی است، امجد و اعظم از دیگر افراد است... انسان در میان جان<sup>zwnj</sup>داران دارای شأنتی است که می<sup>zwnj</sup>تواند از قوت به فعلیتی رسد که صاحب عقل مستفاد گردد و این طریق استکمال نفس ناطقه است و صاحب ولایت کلیه اعنی انسان کامل، همه این مقامات و مراحل را مع الاضافه واجد است.

چنین انسان کاملی برخلاف تفکر اومانیستی غرب که یگانگی عقل و وجود و نبود ارتباط میان نفس الامر جهان خارج و مبدأ هستی را یاد می<sup>zwnj</sup>آورد، با تجرد کامل و روحانی خود از جهان ماده، در متن و عمق هستی محو و فانی می<sup>zwnj</sup>شود.

به این وسیله از خود و همه محدودیت<sup>zwnj</sup>ها و در نتیجه، توهم<sup>zwnj</sup>های نفسانی و وجودی، تجرد کامل می<sup>zwnj</sup>جوید و با فناى خویش در متن و نفس هستی، با نفس الامر موجودات خارجی، اتحاد کامل وجودی می<sup>zwnj</sup>یابد.

به تعبیر عارفان، این موجود کامل همان هستی و کون جامع یا فراگیر است. مصداق عظیم<sup>zwnj</sup>الشأن آن نیز در عصر ما، حضرت ولی عصر، حجة بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف، سلاله پاک و ادامه دامنۀ طیبه معصومان پیش از خود است که حجت خدا بر روی زمین و مکمل عقول خلق و هدایت<sup>zwnj</sup>گر نسل بشر خواهد بود. (\*)

منبع:

کرامت انسان در دولت مهدوی، دکتر بهرام اخوان کاظمی، مجموعه آثار سومین کنگره دکترین مهدویت صص ۱۲۳-۱۱۸